

یادداشت‌دبیر

سی دوره برگزاری هفته کتاب چه نتیجه‌ای داشته است؟

در مزایای یک پاسخ صادقانه

محمدعلی یزدانبار

دبیر گروه کتاب

mohammadaliyazdanyar@gmail.com

الان که این یادداشت را مطالعه می‌کنید آخرین روزهای هفته کتاب است و سؤال اینجاست که هفته‌های کتاب تا به حال کارکردی داشته‌اند و آیا به هدف اصلی خودشان - وارد کردن کتاب به عنوان عضوی ثابت از سبب فرهنگی خانواده و نتیجتاً - افزایش ضریب نفوذ کتاب و میزان مطالعه رسیده‌اند یا خیر. موضوع را اگر در آمارهای بازار نشر پیگیری کنید به هر نتیجه‌ای می‌رسید غیر از افزایش میزان مطالعه. به عنوان مثال میزان تیراژ در نسخه‌های قدیمی «جان شیفته» و «بخش سرطان» که دو رمان قطور و سخت‌خوان هستند حدود ۱۰ هزار جلد ذکر شده، این میزان برای «جان شیفته» در حال حاضر چیزی حدود ۵۰۰ جلد است و بخش سرطان پس از مدت‌ها قرار است با تیراژی ۳۰۰ تایی به بازار بیاید. و این باز در شرایطی است که جمعیت ایران از آن زمان تا به حال بیش از دو برابر افزایش داشته است. به بحث آماری که برسیم ماجرا جالب می‌شود، اگر شما یک آمار قابل استناد از سرانه میزان مطالعه در ایران پیدا کنید لطفاً به آدرس همین رایانامه زیر نام من ارسالش کنید! مثلاً سال ۹۱ این آمار توسط نهاد کتابخانه‌های کشور اعلام شد: سرانه مطالعه، ۷۵ دقیقه و ۳۴ ثانیه محاسبه شده که ۱۵ دقیقه و ۱۷ ثانیه مربوط به کتاب، ۲۱ دقیقه و ۳۱ ثانیه برای قرآن و ادعیه، ۳۲ دقیقه و ۳۶ ثانیه روزنامه و پنج دقیقه و ۴۲ ثانیه به نشریه خوانی اختصاص پیدا کرده است که هر دو فضای مجازی و فیزیکی را شامل می‌شود. حالا آمار دیگری را که از مورد قبلی تازه‌تر است مرور کنیم: سرانه مطالعه در ایران، دوازده و نیم دقیقه اعلام شده است که در این آمار، تنها سی تاسی و پنج میلیون نفر در ایران مطالعه غیردرسی داشته‌اند و ۵۹ درصد از ایرانیان کتاب غیردرسی نمی‌خوانند. اگر تفاوت تعریف مطالعه بین دو آمار را حذف و مطالعه کتاب در آمار اول را با میزان آمار دوم مقایسه کنیم یعنی فقط در چند سال، مطالعه مردم ما ۹ دقیقه کاهش پیدا کرده است. تجربیات شخصی من - که البته قابل استناد نیست - میزان مطالعه مردم را حتی از این هم کمتر ارزیابی می‌کند. حالا وقت جواب دادن به سؤال ابتدای متن است. برگزاری سی دوره هفته کتاب، چه تأثیری روی افزایش علاقه و مراجعه مردم به کتاب گذاشته است، پاسخ بدون خجالت و صداقت به این سؤال به سادگی مسیر آینده فرهنگی مملکت را مشخص خواهد کرد. من همین‌جا از تمام مسئولان مرتبط که تمایل دارند در مورد این سؤال و پاسخش صحبت کنند دعوت به عمل می‌آورم. مادر گروه کتاب «ایران جمعه» مشتاقانه از بحث و تبادل نظر با شما در راستای تعالی فرهنگی کشور و مردم استقبال می‌کنیم.

ریحانه میرحسینی

کارشناس ارشد ادبیات

از قرون وسطی چه چیزی می‌دانیم؟

همه ما از دوران کودکی در کتاب‌های تاریخ مدرسه از قرون وسطی خوانده و از آن کم‌وبیش اطلاعاتی در گوشه ذهنمان داریم. یک تعریف کلی برای قرون وسطی این می‌شود که به فاصله بین پایان دوران امپراطوری روم غربی و آغاز رنسانس، قرون وسطی یا عصر بیزانس می‌گویند. در این دوره فتودالیسم ساختار سیاسی بوده و جهل، کوفت‌فکری و قضای بسته عقیدتی فضای حاکم بر قرون وسطی است که دلپیش تسلط کلیسا و کشیشان متعصب آن زمان بود.

برسیم به یک دوران مهم، رنسانس!

بگذارید رنسانس را با مهم‌ترین اتفاق ادبی‌اش آغاز کنیم و آن هم کشف نسخه فن شعر ارسطو در ایتالیا بود و ترجمه‌های برخی از آثار ارسطو به لاتین مقدمه‌ای برای شروع عصر رنسانس گشت. رنسانس حاصل مجموعه‌ای از اتفاقات در طول تاریخ است که بعد از قرون وسطی در ایتالیا شروع شد و از آنجا به کشورهای دیگر هم رفت. از جمله این اتفاقات مهم می‌توانیم بگوییم که دانته کمدی الهی را نوشت، میکل آنژ مجسمه حضرت داوود را ساخت و ویا داوینچی تابلو شام آخر را کشید. از مختصات فکری مهم این دوره می‌توانیم به آزادی اندیشه و رشد ذوق و زیبایی اشاره کنیم، همچنین صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری باعث شد که این نهضت به رشد بیشتر برسد.



در یادداشت قبلی در باره یونان و عظمت این دوره با هم حرف زدیم و به آن سفر کردیم، در این شماره به دوران قرون وسطی و رنسانس گشت و گذاری خواهیم داشت. برخورد قرون وسطی با فرهنگ، هنر و فلسفه یونان قدیم و همچنین مطالعه آثار گذشتگان به شکل کم‌تری رنسانس بسیار کمک کرد و در نهایت مفهوم انسان گرایی به تدریج شکل گرفت. بشریت برای آنکه به پیشرفت‌های بیشتری دست یابد کند و گوناگونی‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف پشت سر گذاشته و همچنین در طول تاریخ برخی از کتاب‌ها جهان را تغییر دادند، دانستن در باره شخصیت‌های اثر گذار این دوران ما را یاری می‌کند که اتفاقات زمان‌های مختلف را بهتر درک و بررسی کنیم. حال برویم و سفرمان را شروع کنیم.

سفر به جهان شعر و قصه‌ها همراه با مکتب‌های ادبی (قسمت دوم)

سفری به قرون وسطی و رنسانس همراه با شکسپیر و دوپیزان

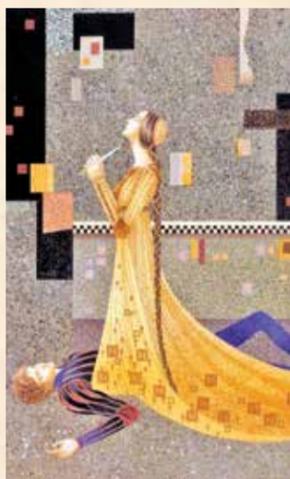
اولین رمان فمینیستی چیست؟ و نویسنده آن کیست؟

در آثار به جا مانده قرون وسطی، از بانویی سخن می‌گوییم که به دلیل نکته‌سنجی و شکستن تابو در میان هم‌عصران خودش و همچنین نوشتن آثار زیاد متمایز و خاص جلوه می‌کند، او کسی نیست جز کریستین دوپیزان، او در شهر ونیز ایتالیا به دنیا آمد و در نوشته‌های خودش به شدت با خشونت علیه زنان در فرهنگ قرون وسطی به مبارزه پرداخته و در دوران خودش به عنوان شاعر و نویسنده خیلی مورد توجه قرار گرفت، همچنین مطالبی که او می‌نوشت به خصوص در رابطه با زنان، به عنوان سبکی از شجاعت شناخته شد. این نویسنده قرون وسطایی آثار زیادی نوشته مانند کتاب سه فضیلت، حکایت گل سرخ، حکایت زاندارک و کتاب شهر بانوان که مشهورترین اثر اوست و در این‌جا با هم این کتاب را بررسی می‌کنیم. کتاب شهر بانوان نخستین اثری است که در دفاع از زنان نوشته شده و در آن به ستایش بانوان و حقوقشان که در قرون وسطی از آن غفلت شده می‌پردازد. می‌توانیم بگوییم شهر زنان با این حال در دوره‌ای بوده که عقاید شدید کلیسایی و ملاحظات آن باعث می‌شد نویسندگان و هنرمندان کمی با احتیاط و دست به عصا حرکت کنند، ولی این کار نخستین کتاب فمینیستی در تاریخ زنان است و دوپیزان با این اثر خود توانست در کنار مردان، ادبیات خاص خود را ادامه داده و در شکوفایی عصر رنسانس سهیم باشد.

کتاب شهر زنان یک داستان تمثیل گونه است که کریستین در سال ۴۰۵ آن را نوشت و در آن به روش گفت‌وگو پیش رفته اینگونه که به غیر از خودش، سه الهه خرد، صداقت و عدالت در کنارش هستند و در ساختن یک شهر آرمانی و زیبا به او کمک می‌کنند. در این کتاب دوپیزان به دنبال ساختن یک شهری است که در آن همه زنان شریف با صفاتی مانند شجاعت، صبوری، وفاداری و خردمندی حضور دارند و با سیاست و قدرت خودشان عدالت را بنا می‌کنند.

شاهکار شکسپیر، نمایشنامه غمناک رومئو و ژولیت

بسیار سخت است از شکسپیر و آثار او نوشتن و تقریباً نمی‌دانم که از کجا شروع کنم و چه بگویم. شکسپیر زبانی بسیار قوی در خلق شخصیت‌ها دارد و در ۳۸ نمایشنامه خود، حدوداً هزار شخصیت را خلق کرده و هر کدام از آنها دارای گفتار خاص خود هستند. رومئو و ژولیت جزو نخستین تراژدی‌های محبوب شکسپیر بوده که در آن به زبان عشق سخن می‌گوید و بارها در سالن‌های تئاتر، موسیقی و فیلم مورد استفاده قرار گرفته است. این نمایشنامه از داستان‌های قدیمی عهد باستان سرچشمه می‌گیرد و دقیقاً مشخص نیست که شکسپیر چه زمانی آن را نوشته است. داستان از دعوا بین دو خاندان کله‌گنده شروع می‌شود. رومئو، پسری یکی از این خاندان، دختری به نام ژولیت را در نظر داشت ولی در میهمانی‌ای که خاندان دشمن ترتیب داده بودند مخفیانه حضور پیدا می‌کند و یک دل‌نه‌صد دل عاشق ژولیت دختر این خانواده می‌شود. ژولیت بعد از دیدن رومئو عاشق آن می‌شود و این دو باهم دور از چشم خانواده هایشان ازدواج می‌کنند. همه چیز گل و بلبل بوده تا اینکه رومئو برای دفاع از دوستش در یک دعوا، شخصی را می‌کشد که معلوم می‌شود او از خاندان ژولیت است و فقط کار را از اینی که هست بدتر می‌کند. رومئو مدتی به توصیه کشیشی که آنها را عقد کرده به شهر دیگر می‌رود و در این مدت پدر ژولیت او را مجبور می‌کند که با شخصی به نام کنت پاریس ازدواج کند. همین کشیش دارویی به ژولیت می‌دهد که ۴۲ ساعت او را به حالت مرگ درمی‌آورد و به او می‌گوید نامه‌ای به رومئو می‌نویسد و ماجرا را برای آن تعریف می‌کند، ولی ای دل غافل که نامه به رومئو نمی‌رسد و خبر مرگ ژولیت را که می‌شنود به سمت مقبره او می‌آید، داماد آینده را می‌کشد و خودش هم سسم می‌نوشد و در کنار ژولیت می‌میرد. داستان اینجا تمام نمی‌شود و هنگامی که ژولیت بیدار می‌شود و اوضاع را می‌بیند خودش را با خنجر رومئو می‌کشد. زمانی که خانواده آن دو کشیش به صحنه می‌رسند و داستان را متوجه می‌شوند می‌فهمند که تمامی اینها به دلیل جنگ آنها اتفاق افتاده پس دشمنی دیرینه خود را کنار می‌گذارند و باهم صلح می‌کنند و داستان با سایه رنج و غم به پایان می‌رسد.



اومانیسیم سروکله‌اش از کجا پیدا شد؟

اومانیسیم جریانی بود که سروکله‌اش از آغاز رنسانس در غرب پیدا شد. مردم کم‌کم فهمیده بودند که انسان حقیر نیست و معیار همه چیز است. آنها خود را دوره طلایی می‌نامیدند و حق هم داشتند چون توانستند خط فکری جدیدی را مانند ستایش عقل، بزرگداشت انسان و جامعه دنبال کنند و مهم‌ترین چیز علاقه‌مندی آنها به زبان و تمدن‌های کهن مخصوصاً یونان باستان بود.



با هم درباره زنان قرون وسطایی بیشتر بدانیم

زنان در قرون وسطی نقش‌های مختلفی داشتند مانند دهقان، نویسنده، راهبه و حتی مهم‌تر از آن گاهی ملکه یک سلطنت بودند. آثار ادبی که از زنان قرون وسطی به دست ما رسیده اغلب جنبه مذهبی داشته مانند نوشته‌های کلر سیزی، مارگریت پرت و برخی از آنها سکولار می‌نوشتند. نوشته‌های ماری دو فرانس هم به دلیل ارزش ادبی، شعری و اطلاعاتی که از قرون وسطی ارائه می‌دهد بسیار مهم است.



برای شناخت بیشتر مکتب‌های ادبی چه کتاب‌هایی بخوانیم؟

کتاب‌های زیادی در رابطه با مکتب‌های ادبی منتشر شده چه در زمینه دانشگاهی و چه اطلاعات عمومی. ولی دو کتابی که خدمتتان معرفی می‌کنم از دیگر کتاب‌های درون بازار بهتر است. مکتب‌های ادبی نوشته دکتر سیروس شمیسا که بسیار توضیح روان و مثال‌های خواندنی دارد و دیگری کتاب دو جلدی مکتب‌های ادبی از رضا سیدحسینی که اطلاعات جامعی را درباره این حوزه نوشته و با مثال زدن برای ما قابل فهم کرده است.



از مختصات فکری رنسانس می‌توانیم به آزادی اندیشه و رشد ذوق و زیبایی اشاره کنیم، همچنین صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری باعث شد که این نهضت به رشد بیشتر برسد